



انقلاب اسلامی ایران

# اسلام، امام، انقلاب اسلامی ایران

می‌باشد. این عشق رنج مبارزه را کاهش می‌دهد و راه سخت انقلاب را هموار می‌نماید.

برداشت مردم سالارانه از اسلام موجب حمایت کامل مردم از انقلاب اسلامی و پیروی از امام خمینی گردید و این حمایت همه جانبه باعث شکست دشمنی گردید که دارای قدرت فراوان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود. این شکست در حالی اتفاق افتاد که هیچ تحلیل‌گر سیاسی با توجه به شرایط ویژه شاه آن را پیش‌بینی نمی‌کرد و تحلیل‌ها نتایج دیگری را انتظار می‌کشید.

برداشت مردم سالارانه از اسلام مبنای اصلی جمهوریت نظامی بود که امام، انقلاب را با هدف ایجاد آن راهبری نمود. جمهوری‌ای که محتوای آن اسلام و تعیین‌کننده سرنوشت کشور، مردم هستند. این برداشت در عین حال که به ارزش‌های اصیل دینی اهتمام جدی دارد با جمهوریت سازگار است.

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی مردم سالار از دل انقلاب اسلامی برآمد و

انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اندیشه سیاسی امام خمینی شکل گرفت و سپس پایه‌های خود را مستحکم نمود و در نهایت به پیروزی رسید. این انقلاب عامل تحولی مهم در ایران، منطقه خاورمیانه و جامعه بین‌الملل شد که آثار آن هنوز در میان ملت‌ها دیده می‌شود.

اندیشه سیاسی امام به عنوان منشا این حرکت عظیم در سطح جهان، ناشی از یک برداشت خاص از دین مبین اسلام است که میلیون‌ها انسان مسلمان را به خود جذب می‌کند. این برداشت در واقع یک برداشت مردم سالارانه از اسلام است که همه چیز را برای مردم می‌خواهد و هدفی جز سعادت و رستگاری آنان را دنبال نمی‌کند. در این اندیشه، مردم نقش محوری دارند و به آن‌ها نه تنها به عنوان ابزار نگاه نمی‌شود بلکه آنان را موجوداتی با فطرت الهی می‌دانند که در هدایت و تعیین سرنوشت خود سهم بسزایی دارند. مبنای اندیشه سیاسی امام عشق به مردم است که ناشی از عشق به خدا

به نهادی کردن آرمان‌ها و شعارهای اساسی آن پرداخت. قانون اساسی نیز که سمبل و عصاره اهداف انقلاب اسلامی است، در این چارچوب تنظیم و به تصویب ملت ایران رسید. بر مبنای این قانون مردم ایران حق تعیین سرنوشت خویش را دارند و تمام نهادهای حکومتی با رأی مستقیم و یا غیرمستقیم آنان شکل می‌گیرد. در این قانون، مردم ناظر بر تمام اعمال مسئولان رده اول نظام هستند و از طریق مراجع قانونی عملکرد آنان را زیر نظر دارند.

از آنجا که علت موجد پدیده‌ها علت مبنایی آن‌ها نیز هست، علت به وجود آورنده انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران علت ابقا و ادامه آن نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، مردم محوری در انقلاب اسلامی که ناشی از برداشت خاص امام خمینی از اسلام بود، علت پیروزی انقلاب و مردم سالاری در جمهوری اسلامی ایران عامل بقا و ادامه آن می‌باشد و در صورت عدم توجه به این اصل مهم و اساسی، جمهوری اسلامی ایران با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

نقطه مقابل اندیشه سیاسی امام برداشت متحجرانه و خشونت طلبانه از اسلام می‌باشد که سمبل آن در حال حاضر تفکر طالبانیستی است. این برداشت از اسلام یک برداشت ارتجاعی و انزواگرایانه می‌باشد که هر مخالفی را مرتد و هر اندیشه‌ای غیر از خود را کفر می‌داند. این برداشت با آزادی، مردم سالاری، پیشرفت و هنر مخالف است و تمام تجربیات بشری را بی‌ارزش و بی‌اعتبار می‌داند.

امام خمینی در جهت شناخت و معرفی اسلام اصیل، تلاش کرد تا این دو اسلام را از یکدیگر تفکیک کند، دو اسلامی که در طول تاریخ مقابل

یکدیگر بوده‌اند و هر یک دیگری را تخطئه می‌کرده است. اسلام نبوی و علوی در مقابل اسلام سفیانی و اموی، اسلام کرامت و عزت در مقابل اسلام حقارت و ذلت، اسلام حریت و عدالت در مقابل اسلام رقیت و شقاوت، اسلام رحمت و هدایت در مقابل اسلام خشونت و ضلالت، اسلام بصیرت و حکمت در مقابل اسلام حماقت و جهالت.

اندیشه سیاسی امام خمینی برخاسته از درک جامع ایشان از اسلام است. امام اسلام را جامع و همه جانبه دریافته و به همین صورت آرایه کرده است. مشکلی که اکثر افراد در درک اسلام با آن مواجه می‌شوند، همین نکته است که آن‌ها فقط یک بعد از اسلام را می‌گیرند و آن را تمام اسلام معرفی می‌کنند، در حالی که شناخت اسلام بدون درک همه جانبه و جامع آن غیرممکن است. امام خمینی با چنین دریافتی از اسلام به احیای برداشت و آن صورت ناقصی را که از اسلام آرایه می‌کردند، به نقد کشید و تلاش نمود تا صورتی کامل از اسلام آرایه نماید و آن را به عنوان دین زندگی، حق طلبی، آزادی خواهی و عدالت گرایی با همه توانمندی‌هایش نشان دهد.

امام خمینی در آغاز درس‌های ولایت فقیه خود در نجف چنین می‌گوید:

«اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است اما این‌ها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود

برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادی‌خواه باشند...»

«برای اینکه کمی معلوم نشود فرق میان اسلام و آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود تا چه حد است، شما را توجه می‌دهم به تفاوتی که میان قرآن و کتب حدیث با رساله‌های عملیه هست. قرآن و کتاب‌های حدیث که منابع احکام و دستورات اسلام است، با رساله‌های عملیه که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگی اجتماعی می‌تواند داشته باشد به کل تفاوت دارد. نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن از نسبت صد به یک هم بیش‌تر است. از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را دربر دارد، سه - چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است، مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است، بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است...» (۱).

مطالب بالا در شرایطی از جانب امام مطرح می‌شود که هنوز انقلاب اسلامی شروع نشده و به پیروزی نرسیده است. جالب توجه این که حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران، تفکر مقابل حضرت امام هم‌چنان وجود دارد و اندیشه‌های امام را به چالش می‌کشد. امام نیز که خطر این تفکر را برای اسلام اصیل و جمهوری اسلامی به خوبی درک می‌کند، در مقابل آن حساسیت نشان می‌دهد و

خطر مقدس مآبان را گوشزد می‌کند تا راه مسلمانان به سوی اصلاح امورشان روشن باشد. امام خمینی در پیام بلند خویش خطاب به مراجع اسلام، روحانیون سراسر کشور و ... در این باره چنین می‌گوید:

«البته این بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با زست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند. این‌ها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله...» (۲).

جملات فوق حاکی از حساسیت بیش از حد امام به تحجر و تقدس مآبی است که آن را خطری بزرگ برای اسلام، انقلاب و جمهوری اسلامی می‌داند و نسبت به آن در همین پیام و هم‌چنین در جاهای دیگر هشدار می‌دهد.

آرزو داریم که با ادامه حاکمیت اندیشه امام بر کلیه نهادهای جمهوری اسلامی ایران، مردم سالاری دینی تقویت شده و اهداف انقلاب اسلامی به‌طور کامل در ایران عزیز پیاده گردد.

دکتر سیدمحمد صدر

#### منابع

- ۱ - ولایت فقیه (حکومت اسلامی) ص، ص ۵-۴
- ۲ - صحیفه نور، چاپ اول، ج ۲۱، صص ۹۲-۹۱